

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ فیروزی ۲۰۲۲

افشای دزدیهای میلیاردی دولتمردان پاکستان!

چهارشنبه- ۰۴ حوت ۱۴۰۰ - کابل: هرگاه به اخبار رسانه های داخلی و خارجی گوش داده باشید، یکی از مهمترین خبرهایی که با تأسف از طرف افغانها کمتر مورد توجه قرار گرفته است، موجودیت هزاران حساب بانکی به نامهای متعدد خانوادگی و غیر خانوادگی از طرف مقامات پاکستانی در بانکهای سوئیس می باشد. این افشاگری که تا حال عمدتاً "مرده" ها را "افشاء" نموده، موضوع یادداشت امروز می را می سازد:

۱- این نکته را بار ها هم در طی مقالات مشخص و هم ضمن سایر مقالات تذکار داده ام که دولتمردان پاکستان اعم از ملکی و نظامی، قهرمان "استفاده ابزاری" در همه امور به خصوص بحران ۴۳ سال اخیر در افغانستان می باشند. آنها از خرد و بزرگ در تمام این مدت، علنی و مخفی از کمکهایی که به نام "کمک به مردم افغانستان" و یا "کمک به جهاد افغانستان" و یا "کمک به مهاجران افغانستان" در تمام این سالها صورت گرفته، در گام نخست نیازمندی های خود را برآورده ساخته، بعداً از "گاو غدود" به نوکران افغان شان داده اند.

به اساس گفته آنهایی که نسل اول مهاجران در پاکستان بودند، دولت مردان پاکستان از فاجعه ثور ۱۳۵۷ و ادامه خونبار ۶ جدی ۱۳۵۸، چنان در همه ساحات سود بردند که اگر امروز ببینند و مجسمه های وطنفروشان از قماش "تره کی، امین، ببرک، نجیب" و سگان دست آموز خودشان "گلبدین ها، ربانی ها" و بقیه نوکران زرین قلاده شان را در مقابل در ورودی کاخ صدارت پاکستان در اسلام آباد نصب نمایند، کمترین قدردانی از این "خدایان جدید" پاکستان به شمار می رود.

طبق گفته همان نسل، دولت پاکستان زیر نام کمک نظامی به مقاومت افغانستان، تمام ارتش آن کشور را با تسلیحات جدید مسلح ساخت، شهر ها و شاهراه را اعمار نمود، به هزاران فابریکه و مرکز رهاپشی در اقصا نقاط آن کشور به وجود آورد، هریک از زمامداران آن کشور چه ملکی چه نظامی، از پول های باد آورده به نام "جهاد افغانستان" نه تنها برای شخص خودشان خانه و قصر اعمار نمود بلکه زیر نام رسیدگی به "مهاجران افغان"، بیمارستان، مکتب، سرک و مراکز تولیدی شخصی را به وجود آورده، به صد ها میلیون دالر و کلدار را نیز در بانکهای داخلی و خارجی ذخیره نمودند.

به گفته همان نسل، دولتمردان پاکستان ان دزدی ها را علنی انجام داده صریحاً می گفتند، "ما این پول ها را برای روزی پس انداز می نمایم که دیگر جهان نخواهد از جهاد افغانستان دفاع و آن را تمویل کند، این پولها برای آروز ها ذخیره می گردند".

۲- سرقت پولها و امکاناتی که به نام دفاع از جهاد افغانستان از سراسر جهان به کشور پاکستان سرازیر می شد، امری نبود که کسی و یا مقامی اهم از مهاجران و پناهندگان و یا هم دولت های غربی و بقیه کشور هائی که پول می دادند، از آن خبر نداشته باشند. می شود گفت تقریباً تمام آنهایی که با نام پاکستان و "جهاد افغانستان" آشنا بودند می دانستند که برای دولتمردان پاکستان، "قضیه افغانستان" همان "گارشیری" معروف و یا مرغی شده است که "تخم طلا" می گذارد. بادر نظر داشت عمومیت چنین معلوماتی، این که فعلاً بعد از سپری شدن بیش از ۴۰ سال از آغاز این سرقت عظیم و متداوم، رسانه ها می آیند و یکی از برجسته ترین ستراتیژیست های جنگ سرد، یعنی "اختر عبدالرحمان" رئیس آنزمان "آی. اس. آی." را متهم به دزدی می نمایند، مسأله ایست که نمی توان بسادگی از آن گذشت.

بر مبنای اسناد برجای مانده، گواهی تاریخ و شهودی که در قید حیات اند، "اختر عبدالرحمان" در کنار و به مثابه مغز متفکر "ضیاء الحق"، از آغاز کودتای "ضیاءالحق" علیه "بوتهو" تا آخرین روزی که هر دو نفر در یک توطئه سازمان یافته به وسیله "سیا" به قتل رسیدند، کسانی بودند که بیشترین خدمت را به "سیا" و "ناتو" و بدترین خیانت ها را نسبت به خلقهای افغانستان، پاکستان و منطقه انجام دادند، آنها در تمام آن مدت از چنان حمایت و پشتیبانی "ناتو" و شرکای آنزمان شان یعنی "چین" و بقیه کشور ها به خصوص کشورهای عربی برخوردار بودند که در مناسبات بین المللی تا آنزمان هرگز دیده نشده بود.

۳- این که غربی ها امروز با هر بهانه ای که باشد می آیند و بر گردن "شهید راه ناتو و سیا" ریسمان سرقت را می بندند، نباید فکر شود تماماً کار یک گروه ژورنالیست بدون کدام غرض و مرض است. تجربه نشان داده که حتا کار افشاگرانه اکثریت مطلق روزنامه نگاران که ظاهراً مدال افتخار آمیز "مستقل" را نیز با خود حمل می نموده، در واقعیت امر نه مستقل بوده و نه هم غیر وابسته؛ بلکه کار آنها یا بازتاب تضاد های درونی جهان سرمایه بوده که این و یا آن جناح سرمایه خواسته، حریف را ضربه فنی نماید و یا هم در کل ژورنالیستان آگاهانه و یا ناآگاهانه در خدمت و با استفاده از امکانات نهاد های استخباراتی کارشان را انجام داده اند، یکی دو فردی که خواسته واقعاً به صورت مستقل کار نمایند، به سرنوشت "آسانز" دچار شده اند.

بناء گفته می توانیم که افشای سرقت پول های "جهاد افغانستان" به وسیله دولتمردان پاکستان، آنهم با افشای "شهید ناتو و سیا" و مخدوش ساختن چهره مردگانی که دیگر خریداری برای شان نمانده، بیانگر چند نکته است.

آنها با افشای این لیست می خواهند به دولتمردان کنونی پاکستان که تلاش دارند تا خود را به چین و روسیه پیوند دهند، غیر مستقیم پیام ارسال داشته اند که متوجه عملکرشان باشند؛

آنها با افشای نام "اختر عبدالرحمان" عزم جدی شان را در افشای نام تمام مقامات پاکستانی نشان داده اند؛

آنها بدین وسیله به ارتش پاکستان به صورت مستقیم پیام فرستاده اند، که برای غرب حین زدن دشمنانش، استفاده از تمام ابزار و وسایل مجاز است، حتا زیر پای نمودن نام، حیثیت و اعتبار بزرگترین نوکران شان مانند "شهید ناتو و سیا".

هموطنان گرامی!

آنچه در این زمینه برای ما افغانها می تواند مهم باشد نخست افشای هویت تمام آنها نیست که زیر نام "جهاد و مقاومت" برای خود میلیونها و میلیارد ها دالر، افغانی و کلدان سرقت نموده در بانکهای خارج پس انداز نموده اند، در ثانی می تواند انتباهی باشد برای نوکران زرخرید امپریالیسم از قماش "گلبدین ها، سیاف ها، ربانی ها، مسعود ها، محقق ها،

خلیلی ها، دوستم ها، قانونی ها" گیلانی ها، مجددی" و غیر نوکران زرخرید و زرین قلاده امپریالیسم و ارتجاع، که فکر نکنند برای دایم در مصونیت کامل باقی خواهند ماند، این را باید بدانند که دیر یا زود امپریالیسم و ارتجاع به اساس ضرورت های زمانش، هویت جنایتکارانه و سارقانه آنها را نیز افشاء خواهد کرد. این افشاگری حتماً روزی صورت خواهد گرفت، حال وقتی خودشان زنده باشند، ننگ آن را می باید خود حمل نمایند، اما وقتی مرده باشند، بازماندگان شان در عین حالی که از مزایای مادی میراث مانده بهره خواهند برد، از انتساب با آنها ننگ خواهند داشت.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**